

همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی در دختران فراری از خانه

دکتر سیامک سامانی*

چکیده

هدف: هدف این بررسی مقایسه دختران فراری از خانه و دختران عادی از نظر همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی بود.
روش: ۳۵ دختر فراری از خانه ساکن در مرکز سامان خواهان شهر شیراز و ۳۵ دختر عادی که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده بودند، به دو مقیاس همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی پاسخ دادند. داده‌ها به کمک آزمون تحلیل افتراقی و آزمون تحلیل شدند.
یافته‌ها: مقایسه گروه دختران فراری از خانه و گروه عادی نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار در چهار بعد از پنج بعد مقیاس همبستگی خانوادگی (همبستگی با پدر، روابط زناشویی، مکان تعامل و روابط والدین و نوجوان) بود. آزمون تحلیل افتراقی نیز نشان داد که بر پایه دو متغیر روابط زناشویی و روابط والدین و نوجوان می‌توان ۷۷٪ از دختران فراری از خانه را از دختران عادی متمایز ساخت.
نتیجه‌گیری: نوع روابط خانوادگی از عوامل مهم تفاوت دختران فراری و دختران عادی است.

۲۵۸

کلیدواژه: دختران فراری، همبستگی خانوادگی، استقلال عاطفی

مقدمه

۱۹۹۲). جانسون^۴، لوی^۹ و ماهونی^{۱۱} (۲۰۰۱) نشان دادند که انسجام یا همبستگی خانوادگی تأثیر به‌سزایی بر میزان بروز مشکلات عاطفی و رفتاری در نوجوانان دارد. سامانی (۱۳۸۱) نیز دریافت که همبستگی خانوادگی عاملی اساسی در زمینه بهداشت روانی نوجوانان به‌ویژه دختران به‌شمار می‌رود. استنبرگ^{۱۱} (۲۰۰۲) و ویندل^{۱۲} (۱۹۸۹) نشان دادند که درگیری نوجوان با والدین در اثر بروز و مطرح‌شدن نیازهای جدید دوره نوجوانی، احتمال بروز رفتارهای بزهکارانه را از

نزدیک به ۵۰٪ از نوجوانانی که از خانه فرار می‌کنند ارتباط خود را دست‌کم با یکی از دوستان و یا یکی از بستگان حفظ می‌کنند و ۷۰ تا ۸۰ درصد آنها پس از گذشت کمتر از یک هفته به خانه باز می‌گردند (مک‌کارتی^۱، ۱۹۹۲). یکی از کنش‌های خانوادگی "انسجام و یا همبستگی خانوادگی"^۲ است که نشان‌دهنده رابطه عاطفی میان والدین و فرزندان است (کونگر^۳، الدر^۴، لورنز^۵، سیمونز^۶ و ویتبک^۷،

* دکترای تخصصی روانشناسی تربیتی، استادیار دانشگاه شیراز، شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، بخش روانشناسی تربیتی.

E-mail: samani@shirazu.ac.ir

فکس: ۰۷۱۱-۶۲۸۶۴۲۲

- | | | |
|-------------|--------------------|------------|
| 1- McCarthy | 2- family cohesion | 3- Conger |
| 4- Elder | 5- Lorenz | 6- Simons |
| 7- Withbeck | 8- Johnson | 9- Lavoie |
| 10- Mahony | 11- Steinberg | 12- Windle |

۳۵ دختر عادی که بر پایه سن (حداکثر با چهار ماه اختلاف)، میزان تحصیلات خود و تحصیلات پدر و مادر با گروه دختران فراری از خانه هم‌تاسازی شده بودند، به‌عنوان گروه گواه انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش، به‌سر بردن در مرکز سامان‌خواهان شهر شیراز، اعلام همکاری در ارائه اطلاعات مورد نیاز توسط دختران مورد بررسی و امکان دسترسی به افراد عادی برای هم‌تاسازی با هر یک از دختران فراری بود. گفتنی است که چون امکان هم‌تاسازی برای هفت نفر از دختران فراری با گروه گواه فراهم نگردید، از ۴۲ دختر ساکن در مرکز یاد شده، تنها ۳۵ نفر شرایط ورود به پژوهش را پیدا کردند.

برای گردآوری داده‌ها از "مقیاس همبستگی خانوادگی"^{۱۸} و "مقیاس استقلال عاطفی"^{۱۹} بهره گرفته شد. مقیاس همبستگی خانوادگی (رضویه و سامانی، ۱۳۷۹؛ سامانی، ۱۳۸۱) دارای ۲۸ پرسش پنج گزینه‌ای می‌باشد که دارای هشت عامل مختلف (انسجام با مادر، انسجام با پدر، مدت زمان تعامل، مکان تعامل، شیوه تصمیم‌گیری، روابط عاطفی اعضای خانواده، روابط زناشویی و روابط والدین با فرزند) است. ضریب پایایی این مقیاس به شیوه بازآزمایی برای این عوامل بین ۰/۶۹ تا ۰/۸۰ گزارش شده است (سامانی، ۱۳۸۱).

مقیاس استقلال عاطفی را استنبرگ و سیلوربرگ (۱۹۸۶) ساخته‌اند و سامانی (۱۳۸۱) آن را در ایران اعتباریابی نموده است. این مقیاس دارای ۱۳ پرسش چهار گزینه‌ای و دربردارنده سه عامل "تفرد"، "عدم وابستگی" و "خوداتکایی"^{۲۱} و غیرایده‌آل بودن^{۲۲} والدین می‌باشد. اعتبار عوامل این مقیاس به شیوه بازآزمایی به ترتیب برابر با ۰/۷۶، ۰/۶۴، ۰/۶۱ گزارش شده است (همان‌جا).

ابزارهای گردآوری داده‌ها پس از ارائه توضیحات لازم برای پاسخ‌گویی در اختیار آزمودنی‌های دو گروه گذاشته

سوی نوجوان افزایش می‌دهد. "فرار از خانه" از جمله واکنش‌های نوجوان در برابر بروز مشکل و درگیری با والدین است. بروز این نابهنجاری (فرار از خانه) خود زمینه را برای رفتارهایی مانند اعتیاد، افت تحصیلی، مشکلات جنسی و پرخاشگری فراهم می‌سازد و این امر افزایش مشکلات خانوادگی را در پی دارد (گاربارینو^۱ و گاربارینو، ۱۹۸۶). "استقلال عاطفی"^۲ به‌عنوان یکی از نیازهای رشدی در دوران نوجوانی، بیانگر نوعی تغییر در نوع ارتباط فرزندان و والدین می‌باشد (لامبورن^۳ و استنبرگ^۴، ۱۹۹۳؛ استنبرگ و سیلوربرگ^۵، ۱۹۸۶). بیرز^۶ و گووسنز^۷ (۱۹۹۹) نشان دادند که "تفرد"^۸ به‌عنوان یکی از ابعاد استقلال، عاملی مهم در افزایش میزان اضطراب^۹، افسردگی^{۱۰} و استرس^{۱۱} در نوجوانان است. گاربر^{۱۱} و لیتل^{۱۲} (۲۰۰۱)، گیگس^{۱۳} و سف^{۱۴} (۱۹۹۰) و اسمال^{۱۵}، ایستمن^{۱۶} و کورنلیوس^{۱۷} (۱۹۸۸) نیز استقلال عاطفی را در نوجوانان با مشکلات رفتاری و عاطفی دارای همبستگی مثبت گزارش نمودند. از سوی دیگر این تحول (استقلال عاطفی در نوجوان) موجب بروز مشکلات و نگرانی‌های بسیاری در والدین و چگونگی ارتباط والدین با فرزندان نوجوان می‌گردد.

این بررسی در این راستا و با هدف پاسخ به پرسش‌های زیر انجام شده است: آیا میان دخترانی که اقدام به فرار از خانه کرده‌اند و دختران عادی از نظر استقلال عاطفی تفاوت وجود دارد؟ آیا میان دختران فراری از خانه و دختران عادی از نظر همبستگی خانوادگی و روابط عاطفی میان اعضای خانواده تفاوت وجود دارد؟ کدامیک از دو عامل همبستگی خانوادگی (به‌عنوان یک عامل محیطی) و استقلال عاطفی (به‌عنوان یک تکلیف رشدی) در تمایز دختران فراری از خانه از دختران عادی مؤثرتر است؟

به بیان دیگر این پژوهش با هدف مقایسه تأثیر عوامل فردی و خانوادگی در بروز رفتار فرار از خانه در دختران انجام شده است.

روش

آزمودنی‌های پژوهش را ۷۰ دختر (۳۵ دختر فراری از خانه و ۳۵ دختر عادی) با میانگین سنی ۱۷/۵ سال (انحراف معیار ۳/۵) تشکیل دادند. گروه دختران فراری از خانه با مراجعه به مرکز سامان‌خواهان شهر شیراز (وابسته به سازمان بهزیستی) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

- | | |
|------------------------------------|-----------------------|
| 1- Garbarino | 2- emotional autonomy |
| 3- Lamborn | 4- Steinberg |
| 5- Silverbrg | 6- Beyers |
| 7- Goossens | 8- anxiety |
| 9- depression | 10- stress |
| 11- Garber | 12- Little |
| 13- Gecas | 14- Seff |
| 15- Small | 16- Eastman |
| 17- Cornelius | |
| 18- Family Cohesion Scale | |
| 19- Emotional Autonomy Scale | |
| 20- individuation | |
| 21- independency and self-reliance | |
| 22- deidealization | |

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار ابعاد مختلف مقیاس استقلال عاطفی

میانگین	گروه دختران	ابعاد مقیاس
(۰/۵۱) ۲/۹۴	فراری	تفرد
(۰/۵۸) ۲/۷۶	همتا (عادی)	
(۰/۷۹) ۲/۲۸	فراری	عدم وابستگی و خود اتکایی
(۰/۵۷) ۲/۱۷	همتا (عادی)	
(۰/۷۵) ۲/۷۸	فراری	غیرایده آل بودن والدین
(۰/۵۹) ۲/۸۷	همتا (عادی)	

جدول ۳- ضرایب معادله تحلیل افسراقی

متغیر	استاندارد	غیر استاندارد
روابط والدین و نوجوان	۰/۷۴	۰/۵۶
روابط زناشویی	۰/۶۷	۰/۶۸
ضریب ثابت	-	-۴/۰۶

شد. تحلیل داده‌ها به کمک آزمون t با تصحیح بونفرونی انجام شد.

یافته‌ها

جدول ۱، میانگین و انحراف معیار ابعاد مختلف مقیاس همبستگی خانوادگی را در دو گروه نشان می‌دهد. مقایسه دو گروه دختران فراری و عادی نشان داد که دختران فراری در مقایسه با دختران عادی در ابعاد انسجام با پدر ($t=2/78, df=34, p<0/01$)، روابط زناشویی ($p<0/01$)، مکان تعامل ($t=4/1, df=34, p<0/01$) و روابط والدین با فرزندان ($t=3/7, df=34, p<0/01$) به‌طور معنی‌داری از نمره کمتری برخوردار هستند. در سایر ابعاد (انسجام با مادر، مدت زمان تعامل با والدین، شیوه تصمیم‌گیری و روابط عاطفی اعضا) تفاوت دو گروه معنی‌دار نبود.

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار ابعاد مختلف مقیاس همبستگی خانوادگی

میانگین	گروه دختران	ابعاد مقیاس
(۱/۰۹) ۳/۰۳	فراری	انسجام با مادر
(۰/۹۶) ۳/۵	عادی	
(۰/۹۲) ۲/۳۹	فراری	انسجام با پدر
(۰/۹۱) ۳/۰۱	عادی	
(۰/۵۷) ۲/۸۹	فراری	مدت زمان تعامل
(۱/۰) ۳/۲۶	عادی	
(۱/۱۷) ۲/۷۶	فراری	روابط زناشویی
(۰/۹۵) ۳/۸	عادی	والدین
(۱/۳۴) ۲/۸	فراری	روابط عاطفی
(۱/۱۹) ۳/۲	عادی	اعضای خانواده
(۱/۲) ۲/۸۶	فراری	مکان تعامل
(۰/۹۵) ۳/۸۵	عادی	
(۰/۷۸) ۲/۸۱	فراری	نحوه تصمیم‌گیری
(۰/۷۶) ۳/۱۸	عادی	
(۱/۳) ۲/۷۸	فراری	روابط والدین و فرزندان
(۱/۰) ۳/۸۴	عادی	

برای بررسی و مقایسه دو گروه دختران فراری از خانه و دختران عادی در ابعاد مختلف مقیاس استقلال عاطفی نیز آزمون t وابسته با تصحیح بونفرونی به کار برده شد. یافته‌ها نشان دادند که در هیچ یک از ابعاد استقلال عاطفی (تفرد، عدم وابستگی و خوداتکایی و غیرایده آل بودن والدین) میان دو گروه تفاوتی وجود ندارد (جدول ۳).

آزمون t نیز میانگین نمره کل مقیاس همبستگی خانوادگی دختران فراری از خانه (۷۸/۱۵) را به‌طور معنی‌دار کمتر از میانگین نمره دختران عادی (۹۴/۵) نشان داد ($p<0/01$)، اما در استقلال عاطفی میانگین نمره دختران فراری (۴۴) و عادی (۴۲) تفاوت معنی‌دار نداشتند.

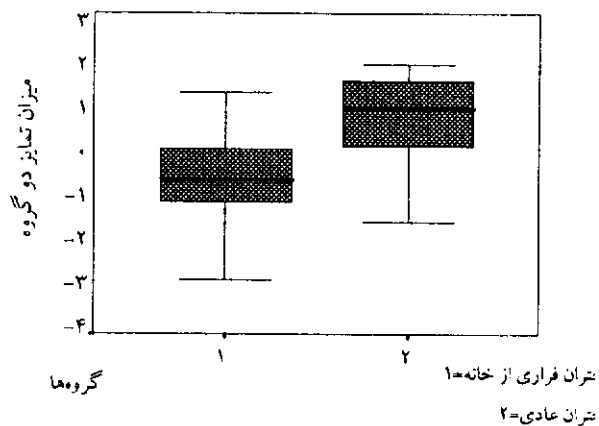
برای تعیین میزان پیش‌بینی‌کنندگی ابعاد همبستگی خانوادگی در تشخیص و افتراق دو گروه دختران فراری و دختران عادی از آزمون تحلیل افسراقی^۱ به شیوه توصیفی بهره گرفته شد. یافته‌های این آزمون گویای آن بود که روابط زناشویی والدین و نوع رابطه والدین با فرزندان از پیش‌بینی‌کننده‌های مهم در تمایز دختران فراری از عادی می‌باشند. مقدار ویلکز لاندای برای معادله تمایز دختران فراری از دختران عادی به دست آمده از این تحلیل برابر با ۰/۶۹ بود.

در روابط زناشویی والدین، روابط ناکارآمد والدین با نوجوان دختر و به دنبال آن ناخشنودی دختران نوجوان از زندگی در کنار پدر و مادر، دست کم زمینه را برای اقدام به فرار دختران آماده می‌کند. یافته‌های این پژوهش با الگوی دیویس و کومینگ (۱۹۹۸) در زمینه درگیری والدین و تأثیر آن بر مشکلات رفتاری و هیجانی نوجوانان هماهنگ است. بر پایه این الگو و یافته‌های پژوهش حاضر، شاید بتوان گفت که برآورده نشدن نیازهای عاطفی و احساس ایمنی در خانه، احتمال بروز رفتار فرار از خانه و پناه بردن به منابع بیرون از خانه را در نوجوان افزایش می‌دهد.

این بررسی هم‌چنین نشان داد که دختران فراری از خانه در مقایسه با دختران عادی در زمینه همبستگی با مادر تفاوت معنی‌داری ندارند، ولی به‌طور معنی‌داری از همبستگی عاطفی کمتری با پدر خود برخوردار هستند. چگونگی نقش و قدرت پدر در خانواده، شیوه برخورد پدر با مسایل دختر نوجوان، ناتوانی در پاسخ‌گویی پدر خانواده به نیازهای عاطفی دختر در ایجاد و حفظ محیطی امن برای وی، از جمله عوامل کاهش‌دهنده میزان انسجام روابط دختر نوجوان با پدر خود است. نتایج آزمون تحلیل افتراقی نیز نشان داد که دو متغیر روابط زناشویی والدین و روابط والدین و نوجوان به‌عنوان دو بعد اساسی همبستگی خانوادگی، از شاخص‌های مهم متمایزکننده دختران فراری از دختران عادی می‌باشد. در این زمینه کونگر و همکاران (۱۹۹۲) و السون (۱۹۹۹) نیز بر اهمیت و تأثیر نوع روابط حاکم بر خانواده و هم‌چنین مهارت‌های ارتباطی اعضای خانواده بر بهداشت روانی فرزندان تأکید نموده‌اند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش، اقدام به فرار دختران از خانه را باید نوعی رفتار "گریز" از محیط ناخوشایند خانواده به محیطی امن و خوشایند (به گمان نوجوان) دانست.

دسترسی نداشتن به آزمودنی‌های بیشتر از محدودیت‌های این پژوهش به‌شمار می‌رود. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده کنش‌های فردی (مانند وضعیت هویت و یا عزت نفس) و خانوادگی (مانند سطح انعطاف‌پذیری و یا سبک تربیتی) این گروه از دختران مورد بررسی قرار گیرد. هم‌چنین، پیشنهاد می‌شود در بررسی‌های آینده شمار بیشتری از دختران فراری بررسی شوند و یا مراکزی که شمار بیشتری از این دختران در آنها نگهداری می‌شوند مورد بررسی قرار گیرند.



نمودار ۱- تمایز دختران فراری از خانه و دختران عادی بر پایه معادله تحلیل افتراقی

در ضمن مقدار ام باکس^۱ و ارزش ویژه این معادله به ترتیب برابر با ۵ و ۰/۴۴ بود. یافته‌های آزمون تحلیل افتراقی نشان داد که به کمک این معادله، می‌توان بر پایه روابط زناشویی و روابط والدین و فرزندان در ۷۶/۳ درصد موارد دختران فراری را از دختران عادی تمیز داد. ضریب همبستگی دو متغیر روابط زناشویی و روابط والدین و فرزندان برابر با ۰/۱۹ بود. در مورد دختران فراری در ۷۶/۳٪ موارد تشخیص معادله با واقعیت هماهنگی داشت و این معادله در ۷۸/۱٪ موارد دختران عادی را به‌خوبی تشخیص داد (۲۱/۹٪ تشخیص نادرست). ضرایب معادله تحلیل افتراقی برای متغیرهای روابط زناشویی و روابط والدین و نوجوان در تمایز دختران فراری از خانه و عادی در جدول ۳ ارایه شده است.

نمودار ۱ نیز نشان‌دهنده میزان تمایز دو گروه دختران فراری از خانه و دختران عادی بر پایه دو متغیر روابط زناشویی و روابط والدین و نوجوان بر پایه معادله به‌دست آمده از تحلیل افتراقی می‌باشد.

بحث

یافته‌های این پژوهش نشان داد که تفاوت مهم دختران فراری از خانه در مقایسه با دختران عادی در کنش‌های عاطفی خانواده می‌باشد و از نظر متغیر استقلال عاطفی به‌عنوان یک تکلیف تحولی تفاوت معنی‌داری میان دو گروه دیده نشد. این بررسی نشان داد که خانواده و کنش‌های آن عامل مهمی در بروز رفتار فرار از خانه در دختران است. یکپارچگی و همبستگی کم خانوادگی نوجوان دختر با پدر، وجود مشکل

سپاسگزاری

از مسئولان محترم سازمان بهزیستی استان فارس به دلیل همکاری در اجرای پژوهش، هم‌چنین از خانم‌ها فریبا خوشبخت و رزا خورشیدی که در زمینه اجرای پژوهش، نویسنده را یاری کردند سپاسگزاری می‌شود.

دریافت مقاله: ۱۳۸۳/۸/۳؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۸۴/۱/۲۴؛

پذیرش مقاله: ۱۳۸۴/۲/۷

منابع

رضویه، اصغرا؛ سامانی، سیامک (۱۳۷۹). بررسی ساختار عاملی مقیاس استقلال عاطفی استنبرگ و سیلور برگ برای استفاده در ایران. مقاله ارایه شده در ششمین کنگره پژوهش‌های روانپزشکی و روانشناسی در ایران. دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران.

سامانی، سیامک (۱۳۸۱). مدل علی برای همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی و سازگاری. پایان نامه دکتری روانشناسی دانشگاه شیراز.

Beyers, W., & Goossens, L. (1999). Emotional autonomy, psychosocial adjustment and parenting: Interaction, moderating and mediating effects. *Journal of Adolescence*, 22, 753-769.

Conger, R., Elder, G., Lorenz, F., Simons, R., & Withbeck, L. (1992). A family process model of economic hardship and adjustment of early adolescent boys. *Child Development*, 63, 526-541.

Davies, P. T., & Cummings, E. M. (1998). Exploring children's emotional security as a mediator of link between marital relations and child adjustment. *Child Development*, 69, 124-139.

Garbarino, J., & Garbarino, J. (1986). The adolescent runaway. In J. Garberino & J. Sebes (Eds.). *Troubled youth, troubled family* (pp. 315-351). New York: Aldine de Gruyter.

- Garber, J., & Little, S. A. (2001). Emotional autonomy and adolescent adjustment. *Journal of Adolescence Research*, 16, 355-371.
- Gecas, V., & Seff, M. A. (1990). Families and adolescents: A review of the 1980s. *Journal of Marriage and the Family*, 52, 941-958.
- Johnson, H. D., Lavoie, J. C., & Mahony, M. (2001). Interparental conflict and family cohesion predictors of loneliness, social anxiety and social avoidance in late adolescence. *Journal of Adolescent Research*, 16, 304-318.
- Lamborn, S. D., & Steinberg, L. (1993). Emotional autonomy relax: Revisiting Ryan and Lynch. *Child Development*, 64, 483-499.
- McCarthy, L. (1992). Mean streets: The theoretical significance of situational delinquency among homeless youth. *American Journal of Sociology*, 98, 597-627.
- Olson, D. H. (1999). Circumplex model of marital family system. *Journal of Family Therapy*, 17, 295-310.
- Pasley, K., & Gecas, V. (1984). Stresses and satisfactions of the parental role. *Personnel and Guidance Journal*, 2, 400-404.
- Small, S., Eastman, G., & Cornelius, S. (1988). Adolescent autonomy and parental stress. *Journal of Youth and Adolescence*, 17, 377-391.
- Steinberg, L. (2002). The juvenile psychopath: Fads, fiction, and facts. *National Institute of Justice Perspectives on Crime and Justice Lecture Series*, Vol. V. (pp. 35-64). Washington: National Institute of Justice.
- Steinberg, L., & Silverberg, S. B. (1986). The vicissitudes of autonomy in early adolescence. *Child Development*, 57, 841-851.
- Windle, M. (1989). Substance use and abuse among adolescent runaways: A four-year follow-up study. *Journal of Youth and Adolescence*, 18, 331-344.